

مطالعات هویتی
کنش‌های سیاسی
مردم بر این پایه
استوار است که
در موقعیت‌های
خاصی که
مردم هویت‌دار
احساس خطر و
تهدید می‌کنند،
کنش سیاسی
خود را معطوف
به حفظ و دفاع از
هویت ملی تنظیم
می‌کنند. جامعه
کهن فرهنگی در
شرایط تهدیدات
هویتی از ناحیه
جریان‌های حاکم
فرهنگی بر جهان
یا رواج روندها و
سیاستگذاری‌های
انحطاط‌آمیز، راه
مقاومت را پیش
می‌گیرد و در عرصه
سیاسی، مدافع
دولتمردانی می‌شود
که پاسدار هویت
ملی آنان باشد.

بر همین اساس، برای تحلیل وجه شگفتی‌ساز بودن انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ نمی‌توان امید چندانی به مطالعات جامعه‌شناختی داشت. اینگونه مطالعات بیشتر کنش‌های سیاسی عادی مردم را می‌توانند فهم پذیر کنند. انتخاب آقای خاتمی یا آقای روحانی، امری عادی و طبیعی به نظر می‌آید. اگرچه در همان زمان برخی جامعه‌شناسان و فعالان سیاسی سعی کردند این انتخاب‌ها را امری شگفتی‌ساز و غیرعادی جلوه دهند؛ لکن واقعیت امر، خلاف این نظر را اثبات می‌کرد. زیرا دولت‌های آقایان خاتمی و روحانی همسو و بلکه مدافع وضع موجود بودند و هیچ اراده‌ای برای اصلاح و تغییرات بنیادی نداشتند؛ لذا تحلیل چنین دولت‌هایی به کمک مطالعات جامعه‌شناختی چندان سخت و دشوار نیست. اما اگر انتخاب مردم خلاف انتظار و شگفت‌آور باشد، آنگاه است که باید برای تحلیل آن به سطوح مطالعاتی عمیق‌تری رجوع کرد؛ از این رو، با توجه به خلاف آمد بودن انتخاب مردمی آیت‌الله رئیسی - چون خواست جریان مسلط بر وضعیت موجود، انتخاب ایشان نبوده است - تحلیل‌های جامعه‌شناختی کمک چندانی در فهم پذیر کردن این انتخاب مردمی به ما نمی‌کند.

در این گفتار به اختصار توضیح داده می‌شود که تحلیل هویتی در فهم پذیر کردن انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰، کمک زیادی به ما خواهد کرد. اجمالاً مطالعات هویتی کنش‌های سیاسی مردم بر این پایه استوار است که در شرایط و موقعیت‌های خاصی که مردم هویت‌دار احساس خطر و تهدید می‌کنند، کنش سیاسی خود را معطوف به حفظ و دفاع از «هویت ملی» تنظیم می‌کنند. جامعه کهن فرهنگی در شرایط تهدیدات هویتی از ناحیه جریان‌های حاکم فرهنگی بر جهان یا رواج روندها و سیاستگذاری‌های انحطاط‌آمیز، راه مقاومت را پیش می‌گیرد و در عرصه سیاسی و دولتمردانی می‌شود که پاسدار هویت ملی آنان باشد. جامعه هویت‌دار در شرایط عادی همانند دیگر جوامع مشغول زندگی روزمره است و دغدغه‌های عادی خود را تعقیب می‌کند، اما چنین جامعه‌ای وقتی از ناحیه جریان‌های فرهنگ غالب جهانی به همسویی و پذیرش هویت تعریف شده فراخوانده می‌شود، از خود واکنش نشان داده و معطوف به هویت ملی کنشگری می‌کند.

مهم‌ترین مسئله برای چنین جامعه‌ای ذوب نشدن و تحلیل نرفتن هویت ملی در هویت‌های غالب است؛ از این رو، مسئله «دگربودگی هویتی» اهمیت بسیاری پیدا می‌کند. جامعه شناسنامه‌دار کهن تاریخ تلاش می‌کند که در خواست سیاسی قدرت نفوذ کرده و از آن دسته دولتمردانی که حامی و مدافع هویت ملی هستند و می‌توان به کمک آن‌ها «کنش دگربودگی» را در عرصه بین‌المللی تحکیم و تثبیت کرد، حمایت و پشتیبانی کند. البته